

مصرف سهم امام در زمان غیبت از منظر فقها

سجاد یوسفی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۰۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۹/۰۱)

چکیده

هدف این مقاله بررسی اثرگذاری رویکرد حکومتی بر نگرش فقیهان معاصر شیعه در مورد مصرف حقوق امام است، با توجه به اینکه یکی از مسائل مهم در حوزه رفتار حکومتی و فقه، اقتصاد مصرف حقوق امام زمان در عصر غیبت بوده و در سده اخیر، شیعه رویکرد حکومتی به فقه پیدا کرده است، این پرسش مطرح می‌شود که این تغییر رویکرد چه اثری بر مسئله مصرف حقوق امام در زمان غیبت گذاشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، تغییر رویکرد مزبور در دو مکتب فقهی معاصر نجف و قم با روش توصیفی و تبیینی بررسی شده است.

در پایان مقاله این نتیجه به دست آمد که هم در حوزه علمیه نجف و هم در حوزه علمیه قم، مکتب‌های فقهی به رویکرد حکومتی و کارکرد حکومتی گرایش پیدا کرده‌اند و بر اساس همین نگرش، حقوق امام را تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های حکومت اسلامی دانسته‌اند. امام خمینی آغازگر رویکرد حکومتی به فقه بود و برخی از شاگردان ایشان از این رویکرد پیروی کردند و این گرایش در حوزه علمیه نجف نیز نضج پیدا کرد و شهید صدر به این نظر متمایل شدند و این رویکرد توسط شاگردان ایشان توسعه یافت.

واژه‌های کلیدی: حقوق امام، نظریه متمیم، نظریه رضایت، مکتب قم، مکتب نجف.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سطح چهار حوزه علمیه قم؛

Email: Yosufi1361@gmail.com

مقدمه

همواره نظام‌های دستوری و قانونی بر مبانی اعتقادی و باورهای اساسی بنا نهاده می‌شوند و یکی از بنیان‌های نظری مهم در عقیده کلامی شیعه عنصر امامت است، مذهب تشیع امام را مهم‌ترین استوانه دین می‌داند که همه آرمان‌های زندگی بشر در صورت تحقق حقیقی این جایگاه حاصل می‌شود و بر مبنای همین عقیده نیز در فقه جایگاه ویژه‌ای برای امام تعریف شده است و از جمله این موقعیت‌ها، حقوقی است که برای امام قائل هستند.

مصرف حقوق مالی امام در زمان حضور مشخص است، اما در زمان غیبت و عدم امکان دسترسی به امام باید چگونه این حقوق را مصرف کرد؟ این پرسشی است که همواره ذهن فقیهان شیعی را به خود مشغول کرده است و در هر دوره و عصری پاسخ ویژه‌ای به آن داده‌اند و متأسفانه تحقیقات انجام شده تاکنون به بعد تاریخی این مسئله نپرداخته‌اند.

موضع‌گیری فقیهان درباره مسئله مزبور تابعی از رویکرد ویژه ایشان بوده و با تغییر رویکرد، نظر فقهی هم تغییر کرده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین تحول در رویکرد فقیهان شیعی در قرن معاصر اتفاق افتاده و آن نوع نگاه ایشان به حکومت و وظایف حکومتی فقیهان است که جوهره اصلی آن را نظریه ولایت فقیه تشکیل می‌دهد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی و استنباطی مشخص می‌شود که فقیهان معاصر درباره این مسئله چه اعتقادی دارند و بر اساس چه مبانی به این نظر رسیده‌اند.

نظریه مصرف حقوق امام بر حسب کشف رضایت امام، از زمان محقق نراقی تا عصر حاضر نظر بسیاری از فقیهان امامی را جلب کرده و سه سده است که بزرگان فقاقت شیعه آن را پذیرفته‌اند، اما در درون این رویکرد و جریان، نگاه‌ها و استدلال‌های متفاوتی درباره مسئله وجود دارد که توجه به آن نشانگر پویایی دورنی این نظریه است و چگونگی منتهی شدن آن را به دوره بعدی روشن می‌کند.

از ابتدای عصر غیبت تا زمان مرحوم محقق حلی نگاه فقیهان فقط به حق مالک (امام) غایب معطوف بود، اما محقق اول سخن از تکالیف امام را رایج کردند و نظریه متمیم حق دیگر اصناف تا زمان محقق نراقی دارای شهرت عمده بود. مرحوم نراقی هنگامی که از تأیید نظریه رضایت سخن می‌گفتند، فرمودند خلق عیال امام هستند و خود امامان به اهتمام امر مسلمین توصیه فرموده‌اند، پس امام راضی خواهد بود که حق او را در مورد حل مشکلات شیعیان به‌کار گرفت (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۳۵) و چون امام غایب می‌خواهد مشکلات شیعیان حل بشود، پس می‌توان در آن موارد مصرف کرد.

شیخ انصاری در نقد نظریهٔ تتمیم نکته‌ای را می‌فرمایند که شاید یکی از زمینه‌های قوی برای پیدایش نظریهٔ حکومتی حقوق امام باشد. ایشان در پاسخ به این استدلال که تتمیم برای دیگر اصناف بر امام واجب بود، پس می‌توان از سهم امام استفاده کرد، می‌فرمایند شاید این تکلیف امام از احکام ریاست، ولایت و سلطنت ظاهری باشد، نه از احکام امامت و حجیت (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۳۶). شیخ انصاری با این بیان تکالیف امام را به دو دسته تقسیم می‌کنند که برخی از وظایف به جنبهٔ حاکمیت و بعضی دیگر به حجیت امام مربوط است و اینجا پرسشی پیش می‌آید که آیا حقوق امام به قسم اول مربوط است یا قسم دوم؟ پاسخ مرحوم شیخ چنین است که چون امام در زمان غیبت سلطنت ظاهری ندارد، این حقوق به تکالیف قسم اول صرف نمی‌شود و بر پایهٔ همین پاسخ خویش، بر نظریهٔ تتمیم خرده می‌گیرند که اصلاً این تکالیف (تتمیم حق دیگر اصناف) به جنبهٔ سلطنت ظاهری امام مربوط هستند و این جنبه در زمان غیبت مفقود است و نظریهٔ معاصر حکومتی دربارهٔ حقوق امام پاسخ متفاوتی به همین پرسش محسوب می‌شود.

پویاترین حوزه‌های علمیه در قرن معاصر عبارتند از حوزهٔ مقدسهٔ نجف و حوزهٔ علمیهٔ قم. در این قرن شاهدیم که زنده‌ترین مکاتب فقهی درونی اینها به نظریهٔ مصرف حقوق امام در بیت‌المال حکوت اسلامی روی آورده‌اند و در این مقاله رشد و توسعهٔ این نظریه و مبانی آن را در دو حوزهٔ قم و مکتب امام خمینی و حوزهٔ نجف و مکتب شهید صدر نشان می‌دهیم.

۱. رویکرد مکتب فقهی قم

قبل از نظریهٔ رضایتی برخی از فقیهان قائل به تتمم دیگر اصناف بوده‌اند و از جملهٔ این فقیهان فرزند مرحوم حائری مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم است (حائری، ۱۴۱۸: ۷۵۲) و سپس رویکرد حکومتی طرح شد و پیروانی یافت.

۱.۱. تکوین نظریهٔ مصرف حکومتی حقوق امام توسط امام خمینی

اولین فقیهی که نظریهٔ جدید حکومتی در باب حقوق امام را طرح کردند، امام خمینی (ره) بودند. ایشان با بررسی این مسئله نشان می‌دهند که تمام نظریاتی که فقیهان شیعی در مورد حقوق داده‌اند، بر اساس یک مبنا و پیش‌فرض بوده است و با نقد آن پیش‌فرض مسیر نوینی را در این مسئله پدید می‌آورند و به‌صورت قاطع می‌فرمایند:

در باب این پیش‌فرض آنچه برای من آشکار می‌شود، غیر از آن چیزی است که فقیهان شیعه آن را افاده نموده‌اند (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۹).

نقدی که این فقیه بزرگوار شیعه بر تمام نظریات فقهی شیعه تا عصر خود وارد می‌کنند، با اشکالات و نقدها در ادوار دیگر کاملاً متفاوت است، زیرا در دوره‌های چهارگانه پیشین فقیهان دوره بعدی درباره برخی از استدلال‌های دوره پیشین نقد داشتند، اما در این دوره امام خمینی نقد خود را متوجه پیش‌فرض تمامی این نظریات کردند که دیگران با فرض قرار دادنش درباره آن سخنی نگفته‌اند. ایشان می‌گویند اساساً این پیش‌فرض نادرست است، به‌خاطر همین نقد پایه‌ای این نظریه در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد که تطور فقهی شیعه را در این مسئله به‌صورت آشکار نشان می‌دهد.

یکی از نکات مهمی که مرتبط، ولی خارج از بحث این مقاله است، بررسی علت تطور رویکردها خواهد بود، با این پرسش که چرا فقه شیعه دچار چنین تطوری در این مسئله شده است؟ آیا تمامی تحولات در بررسی دلایل این مسئله پنهان شده‌اند یا اینکه برخی مبانی خارج از مسئله و بلکه خارج از علم فقه، در این اختلاف رویکردها دخیل بوده است؟ نکته نظری که مرحوم امام مطرح می‌فرمایند ما را متوجه این پرسش‌ها می‌کند، زیرا تحولی که فقه شیعه در قرن معاصر با آن روبه‌رو شده، تغییر نگرش کلی به امور حکومتی بوده و می‌توان گفت همین نگاه در تطور مهم تاریخی معاصر در فقه شیعه دخیل است. از این‌رو برای فهم دوره و تطور معاصر باید به این تحول تاریخی اشاره کنیم.

امام خمینی با بررسی کلیات فقه شیعه به‌واسطه یک تحلیل به این دیدگاه رسیدند که چنین مؤلفه‌هایی که در فقه وجود دارند، فقط با یک پیش‌فرض درست خواهند بود و آن ضرورت حکومت اسلامی است.

ایشان همین روش تحلیلی را در بررسی مؤلفه خمس انجام می‌دهند و می‌فرمایند: «سادات کی به چنین بودجه‌ای احتیاج دارند؟ خمس درآمد بازار بغداد برای سادات و تمام حوزه‌های علمیه و تمام فقهای مسلمین کافی است، تا چه رسد به بازار تهران و بازار اسلامبول و بازار قاهره و دیگر بازارها. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر اینکه منظور، تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی قرار داده شده است... آیا این بودجه فراوان را باید به دریا بریزیم؟ یا زیر خاک کنیم تا حضرت بیاید؟ یا برای این است که آن روز مثلاً پنجاه نفر سید بخورند؟ یا اکنون فرض کنید به پانصد هزار سید

بدهند که ندانند چکارش کنند؟! در صورتی که می‌دانیم حق سادات و فقرا به مقداری است که با آن امرار معاش کنند. منتها طرح بودجه اسلام این طور است که هر درآمدی مصارف اصلی معینی دارد. یک صندوق مخصوص زکات و صندوق دیگر برای صدقات و تبرعات و یک صندوق هم برای خمس است. سادات از صندوق اخیر تأمین معاش می‌کنند» (امام خمینی، ۱۴۲۳: ۳۲).

ایشان با استفاده از روش نشانه‌شناسی خمس را نشانه‌ای برای وجود نظام حکومتی اسلام می‌دانند.

امام خمینی برای اثبات این ادعا که مورد مصرف حقوق امام هزینه‌های حکومت اسلامی است، از نقد نظریه رضایت شروع می‌کنند و می‌فرمایند: چگونه می‌توان به نظر امام دست پیدا کرد و گفت قطع حاصل کردیم که امام به این امر راضی است؟ چنین قطعی برای انسان حاصل نمی‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۸۹).

ایشان اظهار می‌کنند که نظر من در مورد خمس غیر از آن چیزی است که گفته‌اند و خمس را حق شخصی امام نمی‌دانند، بلکه خمس و انفال را حقی برای والی حکومت و صاحب این منصب می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۹۰ و ۴۹۵) و برای اثبات این ادعای مهم ادله‌ای را برمی‌شمارند.

مرحوم امام از تحلیل آیه خمس آغاز می‌کنند و با استناد به روایتی از امام علی (ع) می‌فرمایند این آیه در جنبه امارت و ولایت خلق آمده است (حر عاملی، ۱۳۶۵، ج ۱۲: ۳۴۱) پس خمس به ملک شخصی امام مربوط نیست (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۹۱). سپس به تحلیل مفهومی آیه پرداخته‌اند و معنای «برای خدا بودن» خمس را بررسی می‌کنند و می‌فرمایند معنای آن ولایت تصرف خداست نه مالکیت اعتباری یا تکوینی خداوند و چون عبارت «لرسوله و لذوی القربی» پس از عبارت «لله» آمده است، به یک معنا خواهد بود. از این رو مفهوم آیه در مورد برای رسول و امام بودن خمس، این است که ایشان ولایت تصرف این اموال را دارند نه اینکه ملک شخصی آن حضرات باشد (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۴۹۲). ایشان براساس این تفسیر از منبع تشریح می‌فرمایند: «بالجمله من تدبر فی مفاد الآیه و الروایات یظهر له ان الخمس بجمیع سهامه من بیت‌المال و الوالی ولی التصرف فیه ... و الظاهر ان الانفال ایضاً لم تکن ملکا لرسول‌الله و الائمه و بیانه یظهر ممانتقدم» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۹۵-۴۹۶). خمس جزو بیت‌المال است و والی و حاکم ولایت تصرف در آن را دارد... و ظاهراً انفال نیز مانند انفال ملک شخصی امام و پیامبر نیست و بیان آن از مطالب قبلی روشن می‌شود؛ ایشان همان تحلیلی را که

در مورد آیه خمس انجام دادند، در مورد انفال نیز ارائه کرده‌اند و مفهوم «الله» بودن را ولایت تصرف می‌گیرند و همین مفهوم را در مورد پیامبر جاری می‌دانند.

محقق داماد یکی از فقیهان اثرگذار در حوزه علمیه قم به بررسی نسبت مسئله مزبور با نظریه ولایت فقیه پرداخته است، ایشان در نقد نظریه تصدق می‌فرمایند: اگر خمس جزو اموال شخصی و حقیقی امام است، نیابت فقیه در آن معنا ندارد و اگر جزو اموال متعلق به جایگاه حقوقی امامت باشد، تصدق در آن معنا ندارد (داماد یزدی، ۱۴۱۸: ۴۳۴).

وی در پایان بحث خویش می‌فرماید این مباحث با قطع نظر از نظریه ولایت فقیه است، اما با لحاظ ادله ولایت فقیه و اثبات چنان ولایتی برای فقیه، مصارفی چون تتمیم دیگر اصناف صحیح نیست، زیرا حق متعلق به امام است (به‌عنوان امامت) و باید حق را به صاحبش رساند و فقیه نایب امام است و با رساندن حق و مال به نایب، آن را به صاحبش رسانده‌ایم و وقتی ما می‌توانیم به این‌صورت حق را به صاحبش برسانیم، نمی‌توانیم در مصارف دیگری قرار دهیم (داماد یزدی، ۱۴۱۸: ۴۳۸). این نظر وی یکی از نقاط عطف مهمی است که می‌فرمایند باید میان چگونگی مصرف حقوق امام و نظریه ولایت فقیه ارتباط برقرار کنیم و اگر نیابت فقیه را می‌پذیریم، ایصال حق به نایب، ایصال به مالک و صاحب است.

۱. ۲. توسعه رویکرد حکومتی به فقه و نظریه امام در مکتب فقهی قم، توسط شاگردان امام خمینی

یکی از پیروان مهم امام خمینی در نظریه حکومتی مصرف خمس، آیت‌الله منتظری بودند. ایشان به‌صورت صریح درباره حقوق امام اعتقاد داشتند که امامت حیثیت تعلیلیه برای ولایت تصرف امام است نه حیثیت تقییدیه که شخص امام بودن قید باشد، بلکه خمس و انفال برای مقام امامت و امارت قرار داده شده است [منتظری، ۱۴۱۲: ۶۱ و ۳۰۵] و برای استدلال به این امر سه نکته اضافی را مطرح می‌کنند که رویکرد جدیدی را در این نظریه می‌گشاید.

آیت‌الله منتظری می‌گویند: فرض اینکه اسلام همه زمین‌ها و معادن و دریاها و بیشه‌زارها و مانند آن را به شخص یک فرد اختصاص دهد با عدالت و انصاف اسلام سازگار نیست و با آیه «لکی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم؛ تا اینکه میان ثروتمندان شما جمع ثروت نشود» منافات دارد (منتظری، ۱۴۱۲: ۶۱). نکته مهم دیگری که شاید مبنای جدیدی را در مسئله بگشاید، الگوگیری از شیوه معمول نظام‌های حکومتی دیگر

است. ایشان بیان می‌کنند که در حکومت‌های دیگر نیز برخی از حقوق و اختیارات برای منصب حاکمیت قرار داده شده است و فرق میان حکومت اسلامی و دیگر حکومت‌ها، عدالت و علم به مصالح در حکومت اسلامی است (منتظری، ۱۴۱۲: ۶۱) و در نهایت نکته‌سومی که ایشان اضافه می‌کنند این است که انفال (و همه دنیا) برای مقام امامت و اداره شئون مسلمین بلکه برای همه مردم است «خلق لکم ما فی الارض جمیعا؛ همه آنچه در زمین است برای شما آفریده شده است». در نهایت زمام امور آنها به دست امام است که آنها را در جهت مصالح امام و امت استفاده کند (منتظری، ۱۴۱۲: ۳۴۹). بر این مبنا حقوق امام، حقوق منصب حاکمیت برای اداره همه انسان‌ها و جوامع است.

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز همان استدلال و تحلیل مرحوم امام را در شرح تحریرالوسیله نقل می‌کند و به کتاب‌البیع امام ارجاع می‌دهند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳: ۲۶۸).

یکی از فقیهان معاصر که بر غنای استدلالی نظریه حکومتی خمس افزوده‌اند، مرحوم آیت‌الله اشتهااردی هستند. ایشان هم در تحلیل و تفسیر آیات مرتبط و هم در تبیین روایات مربوط، برای توجیه نظریه، نظرهای جدیدی را طرح کرده‌اند.

مرحوم اشتهااردی می‌فرمایند لفظ «لله و لرسوله» در آیه خمس دارای مفهوم لالوهیته و لرسوله است، یعنی برای مقام خداوندی و مقام رسالت چنین حقی است و در نهایت عبارت «لذوی القربی» نیز به‌خاطر نزدیکی آنها با پیامبر است و مانند دو سهم خداوند و پیامبر برای تقویت الوهیت و دین هست و سپس ایشان برخی از روایات را به‌عنوان شاهد و دلیل این نظریه ذکر می‌کنند (پناه اشتهااردی، ۱۴۱۷، ج ۲۳: ۴۲۶).

آیت‌الله اشتهااردی بیان می‌کنند که بر اساس روایت جعفری پیامبر خمس خدا (سهم خدا) را در راه خدا قرار می‌دهد، پس مصرف این سهم سبیل‌الله است و باید وسیله‌ای برای شناخت خداوند باشد و سپس فرموده‌اند «خمس‌الرساله لاقاربه» در این فقره مقصود نزدیکان خاص است که امامان هستند، فلذا امامان به‌عنوان امام، حق خمس‌الرسول (سهم‌الرسول) را دارند و در روایت احمدابن محمد می‌فرماید سهم رسول‌الله برای حجت است و همچنین در روایت حمادبن عیسی بیان می‌کند که سهم‌الرسول برای ولی امر است که در هر دو روایت، عنوان حجت به‌کار رفته و نشان می‌دهد که حق مذکور برای مقام حجیت و ولایت است (پناه اشتهااردی، ۱۴۱۷، ج ۲۳: ۴۲۷).

ایشان زکات، فیه و انفال را برای تأیید نظریه تعلق خمس به امامت مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: روایات می‌گویند اگر زکات کم آمد والی جبران می‌کند و در صورت زیادت، متعلق به والی است، در حالی که هیچ‌کس معتقد نیست زکات ملک شخصی والی است و خمس هم

مانند زکات است که والی مسئول خمس است نه مالک آن (پناه اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۳: ۴۲). اما در مورد فیء و انفال همه اعتقاد دارند که مصرف آنها در مصالح عامه است و در روایات اینها با هم آمده‌اند یا اینکه همان عبارات فیء و انفال برای خمس هم آمده است، پس مصرف آنها نیز یکی خواهد بود (پناه اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۳: ۴۲۳ و ۴۲۹).

یکی از جنبه‌هایی که مرحوم آیت‌الله اشتهاردی برای نفی ملک شخصی امام از خمس استدلال می‌کنند، فلسفه و هدف تشریح خمس است. اگر خمس ملک امام بود، باید به خاطر منفعتی در مالک تشریح شده باشد، در حالی که هدف از تشریح خمس پاک کردن مال است، پس مصرف خمس به دلیل تطهیر دیگران به امام واگذار شده است نه از باب ملک شخصی امام (پناه اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۳: ۴۲۶).

۲. رویکرد مکتب فقهی نجف

مکتب فقهی نجف به‌عنوان یکی از عمده‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌های فقهی نیز در مسیر رویکرد حکومتی فقهی شیعه قرار گرفته است، گرچه نمی‌توان آن را رویکرد غالب دانست. از این‌رو ابتدا به رویکرد فقهی غالب در نجف و سپس به بررسی رویکرد حکومتی می‌پردازیم.

۱.۲. نظریه رضایتی مصرف حقوق امام

رویکرد غالب در حوزه علمیة نجف عبارت است از نظریه رضایتی که مصرف حقوق امام را در موارد رضایت امام می‌داند. مرحوم نراقی در این زمینه پس از آنکه اقوال و دلایل آنها را می‌آورد، می‌گوید درست است که بسیاری از این وجوه شمرده شده دارای اشکال هستند، اما بر اذنی دلالت دارند که از شاهد حال برمی‌آید. ایشان سپس چند مقدمه را در کنار هم چیده‌اند و نتیجه می‌گیرند. علامه نراقی می‌فرماید:

الف) امام زمان غایب صاحب این حق است.

ب) صاحب حق به این مال احتیاج ندارد.

ج) کسی که حق بر ذمه او هست، نمی‌تواند آن را به صاحب حق برساند.

د) مال در معرض تلف و ضایع شدن است (نمی‌توان آن را نگه داشت).

ه) دوستداران و پیروان امام غایب و صاحب حق در نهایت احتیاج و فقر به سر می‌برند.

ایشان از تصور این مقدمات به این تصدیق می‌رسند که امام صاحب حق راضی هستند که با مال ایشان، پیروان وی حوایج خود را رفع کنند.

- پس از این فرآیند استدلال، ایشان شش وجه مؤید بر این ادعا می‌شمارند:
۱. امامان وقتی خودشان نیاز داشتند، ایثار می‌کردند. هنگامی که نیاز ندارند، به طریق اولی مجاز خواهند دانست.
 ۲. امام جانشین خداوند بر زمین است و مؤمنان عیال او هستند و صاحب عیال نیاز وی را بر طرف می‌کند.
 ۳. امامان منیع بخشش و کرامت هستند و به این کار توصیه کرده‌اند، پس خود نیز در مورد اموالشان این کار را می‌کنند.
 ۴. امامان فرموده‌اند هر کس به امر مسلمین اهتمام نکند، مسلمان نیست. پس خود ایشان اهتمام کرده‌اند و راضی به حل مشکلات مسلمانان خواهند بود.
 ۵. امامان یکی از حقوق مسلمان بر دیگری را مواسات به واسطه مال می‌دانند. این مورد هم از مصادیق مواسات با مال است.
 ۶. امام در روایت محمدبن زید می‌فرماید: هر کس نتوانست به ما صلّه برساند، به شیعیان ما برساند (حر عاملی، ۱۳۶۵، ۱۰: ۴۵۶) و اعطای خمس صلّه است مرحوم نراقی سپس توضیح می‌دهند که این نظریه همان نظریه اباحه نیست. زیرا طبق ادله باید حق امام را پرداخت کرد، اما مورد مصرف آن رضایت مالک است و بر مبنای این نظریه ملاک جواز اعطای نیازمندی است و فرقی میان سادات و دیگران وجود ندارد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۳۲-۱۳۵).
- پس از مرحوم نراقی، صاحب جواهر نیز به این مبنا میل پیدا می‌کنند. ایشان می‌فرمایند نیکی پندار نسبت به امام زمان اقتضا دارد که حضرت به مصرف حق خود در مورد اصناف ثلاثه یا حتی غیر از آنها مؤاخذه نفرماید، بلکه دور نیست که بگوییم حق امام در این مصرف تعیین دارد، زیرا دیگر مصارف شمرده شده مانند وصیت و دفن، مال را در معرض تلف قرار می‌دهند (نجفی: بی تا، ج ۲۰: ۱۷۷).
- مرحوم شیخ انصاری نیز می‌فرماید اگر ما طرفین نسبت (احوال امام و احوال ضعیفان شیعه) را تصور بکنیم و به هم نسبت دهیم، یقین می‌کنیم که امام راضی است که با سهم وی از خمس، شیعیان رفع حاجت شوند. سپس چند تأیید اضافی بر ادعای خود می‌آورند:
- الف) گرچه علم به رضایت هم نباشد، چنین اعطایی احسان محض است و علیه فاعل احسان حجتی نیست.
- ب) عمومیت روایت محمدبن زید که هر کس نتوانست ما را صلّه کند، به شیعیان ما برساند.

ج) در مواردی که مالک مالی معلوم نیست، روایات فرموده‌اند باید در وجوه خیر استفاده شود. مانند صرف نذر قربانی بیت‌الله برای زوَّار و صرف وصیتی که مصرفش فراموش شده است، در کارهای خیر و مصرف موقوفاتی که ارباب آنها معلوم نیست، در امور خیریه.

د) مصرف در رضایت امام مشمول یکی از عناوینی است که امام رضا (ع) در روایت طبری فرمود «خمس کمک ما بر دین و عیال و دوستان ما هست» (حر عاملی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۶۵).

ایشان با ارائه دو نکته، دو نظریه متمیم اصناف ثلاثه و تصدق از طرف امام را جزو مستندات نظریه رضایت می‌دانند و در ذکر مؤیدات نظریه رضایت می‌فرمایند: ملاک تصدق از طرف مالک، عدم توانایی رساندن مال به اوست ولو مالک معلوم باشد و ما با تصدق از طرف امام و مصرف در رضایت امام، مال او را به وی می‌رسانیم و در قسمتی می‌فرمایند بر اساس روایت یکی از مصارف خود امامان متمیم حق دیگر اصناف و همین مورد یکی از مصارف بر مبنای نظریه رضایت است.

یکی از نکات مهمی که مرحوم شیخ متذکر می‌شوند این مطلب است که ادعا در مورد مصرف خمس به آن اختصاص ندارد، بلکه هر مال دیگری که از امام در دست ما هست، مشمول این حکم است (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۳۲-۳۳۵).

پس از مرحوم شیخ، شیخ آغا رضا همدانی به تقویت نظریه رضایت می‌پردازند. ایشان از روایات اباحه به‌عنوان مؤیدی برای این نظریه یاد می‌کنند و می‌فرمایند به‌صورت قطعی از این روایات استفاده می‌شود که مطلوب‌ترین شیء برای امامان، توسعه بر شیعیان‌شان است (همدانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۵۹). پس از این روایات می‌توان استفاده کرد که امام بر مصرف سهم خود رضایت دارد و باید بر مبنای همان رضایت مصرف شود. ولی در نهایت محقق همدانی اظهار شک و تردید می‌کنند که شاید صرف حق امام در غیر از اصناف ثلاثه جایز نباشد، زیرا با وجود انسداد علم و ورود روایاتی مختص به اصناف ثلاثه، نمی‌توان از آنها به برخی ظنون تجاوز کرد. سپس می‌فرمایند البته مقدمات این دلیل وقتی درست می‌شود که ما قطع به رضایت نداشته باشیم (همدانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۶۰).

مرحوم حکیم می‌فرمایند: ما دلیلی نیافتیم که جهت مصرف سهم امام را تعیین کند، اما وقتی رضایت را احراز کردیم، می‌توانیم تصرف کنیم. مانند زمان ما که اکثر دینداران از واجبات دینی منسلخ شده‌اند و باید در اقامه دین مصرف کرد (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۹: ۵۸۲). به‌دنبال ایشان محقق خوانساری و محقق خوبی نیز این مسیر را به‌طور قاطع ادامه می‌دهند (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۳۹؛ خوبی، ۱۴۱۸، ج ۲۵: ۳۳۰).

محقق خوبی بیان می‌کنند که اکثر نظریه‌هایی که در این مسئله وجود دارند، قابل تعرض نیستند و جزء دو نظریه رضایت و تصدق از جانب امام ارزش و اهلیت بحث کردن را ندارند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۵: ۳۳۰).

در دوره معاصر نیز فقیهان متعلق به مکتب فقهی نجف و شاگردان محقق خوبی (ره)، مانند مرحوم سید محمد روحانی، سید محمد صادق روحانی، شیخ جواد تبریزی و آیت‌الله سیستانی مدافع نظریه رضایت هستند (سیستانی، ۱۴۲۲: ۲۸۴؛ روحانی، بی‌تا، ج ۷: ۵۱۲؛ روحانی، ۱۴۲۲: ۳۱۴) و حتی شاگردان امام خمینی (ره) و مکتب فقهی قم، مانند مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله سبحانی در نهایت این نظریه را پذیرفته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳: ۲۶۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰: ۴۱۵).

۲.۲. نضج رویکرد حکومتی به فقه و نظریه مصرف حکومتی حقوق امام توسط

شهید صدر

یکی از مهم‌ترین فقیهان تأثیرگذار و صاحب مکتب جدید در فقه، در این حوزه مبارکه شهید محمدباقر صدر است، ایشان با پیروی از امام خمینی (ره) همان نگاه حکومتی به مصرف حقوق امام را در نجف ترویج می‌کنند.

شهید صدر با تحلیل مفصلی که انجام داده است، نشان می‌دهد که مالکیت امام بر این حقوق به نحو حقوقی است نه حقیقی و از این رو مصرف آن حقوق بر مبنای مصرف حقوق جایگاه حقوقی تعیین می‌شود، نه مصرف شخصیت حقیقی.

شهید صدر مالکیت امام را در چهار سطح طبقه‌بندی می‌کند: ملکیت شخصی بر اموال خویش مانند دیگر انسان‌ها؛ ملکیت بر موارد مخصوص برای مصلحت عام محدود مانند اوقاف؛ ملکیت بر چیزهایی که برای مصلحت عامه و بدن محدودیت است، مانند انفال و مالکیت امام بر همه زمین که به لحاظ ولایت داراست (صدر، ۱۴۲۰، ج ۲: ۹۲-۱۰۰). ایشان سپس استدلال می‌کنند که در سطح سوم نمی‌توان به ملکیت شخصی امام معتقد شد، زیرا همین تعبیر لام در مورد خمس برای خدا نیز استفاده شده است، در حالی که ملکیت شخصی معنادار نیست و سیر پیابر و امامان نشان داده است که ایشان این اموال را در مصارف عمومی قرار داده‌اند، پس مالکیت امام بر انفال و نحوه آن ملکیت شخصی نیست (صدر، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۰۰).

پس از آن شهید صدر در این مورد بحث می‌کنند که کدام‌یک از این سطوح امکان واگذاری به غیر دارند و کدام‌یک از اختصاصات امام است. ایشان می‌فرمایند در صورت

حضور امام یا وکیل خاص او روشن است که تدبیر و ولایت با ایشان است، اما اگر امام حاضر نبود و وکیل خاصی نداشت، در مورد اموال عمومی چه باید کرد؟ بر اساس نظریه ولایت فقیه، فقیه وکیل امام محسوب می‌شود، اما سطوح ولایت فقیه در چه سطوحی پذیرفتنی هستند؟ وی پاسخ می‌دهد که در سطح اول (اموال شخصی) و سطح چهارم (همه زمین) به صورت قطعی فقیه ولایتی بر تصرف از جانب امام ندارد و در صورت بسط ید بر سطح دوم (اموال عمومی محدود) نیز ولایت دارد، اما در مورد سطح سوم (اموال عمومی مطلق) مفهوم مالکیت امام، ولایت تصرف است که فقیه نیز می‌تواند آن را داشته باشد (صدر، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۰۰-۱۰۴).

طبق تحلیلی که ایشان انجام داده‌اند خمس و انفال، جزو اموال خصوصی امام نیست که به مصارف مورد رضایت شخص امام یا تصدق از جانب امام باشد، بلکه مالکیت امام به معنای ولایت تصرف برای صرف در مصالح عمومی است که فقیه به عنوان وکیل عام می‌تواند برای صرف در این موارد تصرف کند.

۲.۳. تعمیق رویکرد حکومتی به فقه و نظریه مصرف حکومتی حقوق امام توسط شاگردان شهید صدر

از میان فقهیان معاصر و در حال حیات، آیت‌الله شاهرودی نیز نظریه حکومتی را در مورد خمس و انفال پذیرفته‌اند و فرموده‌اند پیش‌فرض نظریه رضایت، ملک شخصی بودن خمس برای امام است، در حالی که این حقوق به منصب حکومت و امامت تعلق دارد و سپس ایشان برای این مطلب خود، علاوه بر تحلیل آیه خمس، دو دلیل می‌آورند یکی اینکه متفاهم عرفی در مقام این است و دیگری اینکه اگر سهم متعلق به شخصیت حقیقی رسول بود، با وفات ایشان از بین می‌رفت، در حالی که چنین نیست. پس مربوط به شخصیت حقوقی ایشان است و پس از آن با قبول فرض ملک شخصی بودن نیز می‌فرمایند اگر ملک شخصی امام هم باشد، جهت آن با دیگر اموال تفاوت دارد، زیرا خدواند این مال را برای مصرف در شئون عامه قرار داده است و با نبود امام، لزوم این برآورده کردن این مصالح از بین نمی‌رود و چون امام ظاهر نیست، طبق اذن او باشد، اذن شخص ایشان لازم نیست (هاشمی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۴۳۸-۴۴۰).

نتیجه‌گیری

بر اساس تحقیق انجام‌شده در فقه معاصر شیعه، هم در حوزه علمیه نجف و هم در حوزه علمیه قم، مکتب‌های فقهی به رویکرد و کارکرد حکومتی گرایش پیدا کردند و بر اساس همین نگرش مصرف حقوق امام را تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های حکومت اسلامی دانسته‌اند. امام خمینی آغازگر رویکرد حکومتی به فقه بود و پیش‌فرض ملک شخصی بودن حقوق امام را نقد کرد و شاگردان ایشان مانند آیت‌الله منتظری و اشتهااردی این رویکرد را تبیین و توصیف کردند.

در حوزه علمیه نجف فقیهانی مانند مرحوم نراقی، شیخ انصاری، آیت‌الله حکیم و محقق خویی رویکرد رضایت را پذیرفتند، اما با تغییر رویکرد شهید صدر به دریافت حکومتی از مصرف حقوق امام، این گرایش در حوزه علمیه نجف نیز نضج پیدا کرد و توسط شاگردان ایشان توسعه یافت، البته توسعه رویکرد حکومتی در مکتب قم بیشتر از مکتب نجف بوده است و برخی از فقیهان قم نیز نظریه رضایتی را پذیرفته‌اند.

منابع

- [۱]. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب الخمس، قم، نشر باقری.
- [۲]. پناه اشتهااردی، علی (۱۴۱۷). مدارک العروه، تهران، دارالاسوه.
- [۳]. تبریزی جواد (۱۴۲۷). المسائل المنتخبه، قم، دارالصدیقه.
- [۴]. حائری، مرتضی (۱۴۱۸). کتاب الخمس، قم، جامعه مدرسین.
- [۵]. حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۳۶۵). وسائل الشیعه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- [۶]. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروه الوثقی، قم، دارالتفسیر.
- [۷]. خمینی، روح الله (۱۴۱۰). کتاب البیع، قم، اسماعیلیان.
- [۸]. _____ (۱۴۲۳). ولایت فقیه، تهران، نشر آثار امام.
- [۹]. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک، قم، اسماعیلیان.
- [۱۰]. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعه الامام الخوئی، قم، مؤسسه نشر آثار امام خوئی.
- [۱۱]. روحانی، سید محمد (۱۴۲۲). المرتقی الی الفقه الارقی کب الخمس، قم، مولود الکعبه.
- [۱۲]. روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق (۴). بی جا.
- [۱۳]. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰). الخمس فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، مؤسسه امام صادق.
- [۱۴]. سیستانی، سید علی (۱۴۲۲). المسائل المنتخبه، قم، دفتر آیت‌الله سیستانی.
- [۱۵]. صدر، محمد باقر (۱۴۲۰). ماوراء الفقه، بیروت، دارالاضواء.
- [۱۶]. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۳). تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله، الخمس و الانفال، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.

- [۱۷]. داماد یزدی، سید محمد (۱۴۱۸). *الخمس*، تقریر عبدالله جوادی، قم، اسراء.
- [۱۸]. منتظری حسینعلی (۱۴۱۲). *کتاب الخمس و الانفال*، قم.
- [۱۹]. نراقی (۱۴۱۵). احمدابن محمد مهدی، *مستندالشیعه*، قم، آل البيت.
- [۲۰]. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام (؟). بیروت، داراحیاء التراث.
- [۲۱]. هاشمی، محمود (۱۴۲۵). *کتاب الخمس*، قم، دایرةالمعارف فقه اسلامی.
- [۲۲]. همدانی، آغارضا ابن محمد (۱۴۱۶). *مصباح الفقیه*، قم، نشر اسلامی.